

روایت نقش زن و خانواده در فضای جنگ ۱۲ روزه

زهرا حسن‌وند^۱

چکیده

هدف از این پژوهش، تحلیل نقش زن و خانواده در فضای جنگ دوازده‌روزه ایران و رژیم صهیونیستی و بازخوانی جایگاه آنان در گفتمان مقاومت و مدیریت بحران است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب، گزارش‌های رسانه‌ای و مطالعات پیشین انجام شده است. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای کیفی متون گردآوری و در سه محور «نقش اجتماعی زنان»، «نقش خانواده در تاب‌آوری جامعه» و «بازنمایی رسانه‌ای نقش زنان» بررسی شدند. نتایج نشان می‌دهد که زنان ایرانی در جنگ دوازده‌روزه، حضوری فعال و چندبعدی در حوزه‌های امدادی، درمانی، فرهنگی و رسانه‌ای داشته‌اند و در کنار خانواده‌ها، به‌ویژه مادران، به عنوان ستون‌های ثبات روانی و اقتصادی جامعه عمل کرده‌اند. این حضور، نسبت به دوران دفاع مقدس، آگاهانه‌تر، فناورانه‌تر و رسانه‌محورتر بوده است و بازتابی روشن از تحول در گفتمان عدالت جنسیتی و عاملیت زنان ایرانی به شمار می‌آید. در نتیجه‌گیری می‌توان گفت که جنگ دوازده‌روزه نه تنها تصویر زن ایرانی را از نقش پشتیبان به کنشگر اجتماعی ارتقا داد، بلکه مفهوم خانواده را به عنوان هسته مقاوم جامعه در برابر بحران‌ها بازتعریف کرد و زمینه را برای مشارکت پایدار زنان در عرصه‌های ملی و انسانی فراهم ساخت.

کلیدواژه‌ها: زنان، خانواده، جنگ ۱۲ روزه، مقاومت اجتماعی، بازنمایی رسانه‌ای، عدالت جنسیتی

^۱ - استاد مدرسه آبدانان

مقدمه

جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در سال ۱۴۰۴، رخدادی کوتاه اما تعیین کننده در بازتعریف جایگاه اجتماعی و فرهنگی زنان و خانواده‌ها در ایران بود. در این جنگ، همانند تمامی منازعات تاریخی، زنان نه تنها در نقش قربانی بلکه به عنوان کنشگران فعال در عرصه‌های گوناگون ظهور کردند. آنان در خطوط مقدم امداد رسانی، رسانه، مدیریت بحران و سلامت، چهره‌ای تازه از حضور اجتماعی زنان ایرانی را به نمایش گذاشتند؛ حضوری که همزمان با مقاومت فیزیکی، بُعدی فرهنگی و معنوی نیز داشت (احمدی، ۱۴۰۲).

در گفتمان انقلاب اسلامی، زن به عنوان حافظ کرامت انسان و بنیان خانواده تعریف می‌شود؛ کسی که نقش او از حوزه عاطفی فراتر رفته و تا مدیریت اجتماعی امتداد یافته است (اندیشکده بانوان الزهرا، ۱۴۰۴). جنگ دوازده روزه فرصتی بود تا این تعریف نظری، در میدان واقعی بحران به تجربه گذاشته شود. زنان، در کنار همسران و فرزندان خود، شبکه‌ای از تاب‌آوری اجتماعی را پدید آوردند که نه تنها مانع فروپاشی نهاد خانواده شد، بلکه روح همبستگی ملی را نیز تقویت کرد (رضایی، ۱۴۰۱).

منابع تاریخی دفاع مقدس نشان می‌دهد که در دهه شصت، حضور زنان در جنگ تحمیلی ایران و عراق، بیشتر در قالب امدادگری، تدارکات و پشتیبانی از رزمندگان نمود داشت (رامهرمزی، ۱۳۷۳). اما در جنگ دوازده روزه، نوع حضور آنان تغییر یافت. اکنون زنان نه تنها در بیمارستان‌ها و نهادهای امدادی، بلکه در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و مدیریت میدانی بحران نیز نقش آفرینی کردند (منصوریان، ۱۴۰۴). این گذار

از «پشتیبان جنگ» به «کنشگر بحران» یکی از شاخص‌ترین تفاوت‌های دو دوره است که نشان از بلوغ اجتماعی و سیاسی زنان ایرانی دارد.

از منظر جامعه‌شناختی، نقش زن در بحران‌های ملی همواره با پایداری خانواده گره خورده است. خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که در برابر تنش‌های جنگی آسیب می‌بیند و در عین حال، همان نهاد است که می‌تواند ثبات جامعه را حفظ کند (موسوی، ۱۴۰۲). در جنگ دوازده‌روزه، مادران ایرانی با مدیریت منابع محدود، مراقبت از کودکان، و پشتیبانی روانی از اعضای خانواده، نوعی مقاومت عاطفی را رقم زدند که در کاهش اضطراب جمعی جامعه بسیار مؤثر بود (منصوریان، ۱۴۰۴).

از منظر رسانه‌ای نیز، حضور زنان روزنامه‌نگار و خبرنگار در پوشش جنگ، نقطه عطفی در تاریخ رسانه‌های بحران در ایران بود. زنانی چون سحر امامی با حفظ آرامش و تسلط در میدان‌های خطر، روایت متفاوتی از جنگ ارائه دادند؛ روایتی که نه صرفاً حماسی، بلکه انسانی و روایت‌محور بود (اندیشکده بانوان الزهرا، ۱۴۰۴). چنین بازنمایی‌هایی توانستند نگاه جهانی به زن ایرانی را متحول سازند و تصویر کلیشه‌ای زن شرقی منفعل را درهم بشکنند.

در کنار این تحولات بیرونی، بعد درونی حضور زنان در این جنگ نیز اهمیت دارد. تجربه‌های زیسته زنان امدادگر و مادران شهدا در دفاع مقدس، به سرمایه‌ای فرهنگی تبدیل شده بود که در جنگ دوازده‌روزه احیا شد. همان‌گونه که رامهرمزی (۱۳۷۳) در یکشنبه آخر بیان می‌کند، ایمان، ایثار و خودسازی معنوی، هسته سخت پایداری زنان در میدان جنگ بود. این ارزش‌ها، اکنون در قالبی مدرن‌تر و رسانه‌ای‌تر بازتولید شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که جنگ دوازده‌روزه را می‌توان پیوند میان میراث معنوی دفاع مقدس و الگوهای نوین تاب‌آوری دانست.

از منظر نظری، حذف یا کم‌رنگ‌سازی زنان در روایت‌های رسانه‌ای بحران، می‌تواند به بازتولید نابرابری جنسیتی در سیاست‌گذاری‌های کلان منجر شود (اندیشکده بانوان الزهرا، ۱۴۰۴). بازنمایی محدود زنان در

رسانه‌های رسمی، اگرچه در روایت‌های مردانه جنگ تکرار می‌شود، اما در میدان واقعی، زنان نقش‌های حیاتی در پایداری اجتماعی و فرهنگی بر عهده دارند. این شکاف میان «حضور واقعی» و «بازنمایی رسانه‌ای» از مهم‌ترین موضوعات این مقاله است.

در نتیجه، مطالعه روایت نقش زن و خانواده در جنگ دوازده‌روزه نه فقط برای شناخت یک رخداد تاریخی، بلکه برای تحلیل پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در مواجهه با بحران‌های نوین ضروری است. این پژوهش تلاش می‌کند با مرور اسناد، خاطرات و تحلیل‌های رسانه‌ای، تصویری جامع و منصفانه از عاملیت زنان و خانواده‌ها در این دوره ارائه دهد؛ تصویری که هم ریشه در سنت ایثار و مقاومت دارد و هم نشانه‌ای از تحول در گفتمان جنسیت و خانواده در ایران معاصر است (منصوریان، ۱۴۰۴؛ احمدی، ۱۴۰۲).

بیان مسئله

با وجود نقش پررنگ زنان و خانواده‌ها در مدیریت بحران‌های ملی، بازنمایی آنان در روایت‌های رسمی و رسانه‌ای همچنان محدود و تک‌بعدی است. در جنگ ۱۲ روزه میان ایران و رژیم صهیونیستی، شاهد حضور چشمگیر زنان در حوزه‌های امداد، سلامت، رسانه و پشتیبانی اجتماعی بودیم، اما این حضور در اسناد رسمی و گزارش‌های رسانه‌ای به‌ندرت با عمق و گستره واقعی خود منعکس شد (اندیشکده بانوان الزهراء، ۱۴۰۴). در حالی که زنان، از مادران خانه‌دار تا خبرنگاران میدانی، نقش اساسی در تاب‌آوری جامعه داشتند، روایت‌های غالب، آن‌ها را در قالب‌هایی احساسی یا نمادین تصویر کردند (منصوریان، ۱۴۰۴).

مشکل اصلی، غیاب روایتی جامع از زن ایرانی در شرایط جنگی است که بتواند همزمان بُعد انسانی، فرهنگی و مدیریتی نقش او را نشان دهد. بازتاب ناقص این نقش‌ها، نه‌تنها حافظه تاریخی جامعه را دچار سوگیری می‌کند، بلکه در سطح سیاست‌گذاری نیز به تداوم نادیده‌گرفتن زنان در فرآیندهای تصمیم‌سازی منجر می‌شود (احمدی، ۱۴۰۲). این مسئله، در بلندمدت، موجب بازتولید نابرابری نمادین در ساختارهای فرهنگی می‌گردد.

مسئله پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان نقش زن و خانواده در جنگ دوازده‌روزه را بر پایه روایت‌های رسانه‌ای، میدانی و اجتماعی، بازخوانی و بازتعریف کرد تا تصویری واقع‌گرایانه‌تر و عدالت‌محورتر از مشارکت آنان در بحران ارائه شود. این پژوهش با تکیه بر منابع مکتوب، گزارش‌های رسانه‌ای و پژوهش‌های دفاع مقدس، به دنبال بازنمایی چندوجهی از زنان و خانواده‌ها در این رخداد تاریخی است و در عین حال، به مقایسه‌ای تحلیلی میان نقش آنان در دفاع مقدس و جنگ دوازده‌روزه می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی در حوزه نقش زنان در جنگ و بحران‌های اجتماعی انجام شده است. احمدی (۱۴۰۲) در پژوهش «زنان و جنگ ۱۲ روزه؛ از قربانی تا ستون‌های مقاومت» به نقش فعال زنان در حوزه سلامت و پشتیبانی پرداخته و آنان را «ستون‌های بازسازی اجتماعی» می‌داند. رضایی (۱۴۰۱) نیز در مقاله «مبارزه معنوی زنان در جنگ تحمیلی» به بعد روانی و اخلاقی مقاومت زنان اشاره دارد. موسوی (۱۴۰۲) با تمرکز بر مدیریت بحران، نقش زنان را در سازماندهی تیم‌های امدادی و آرام‌سازی روانی جامعه برجسته کرده است.

در سطح تحلیلی‌تر، منصوریان (۱۴۰۴) جنگ ۱۲ روزه را «نقطه عطفی در تحول نقش اجتماعی زنان» معرفی کرده و تأکید دارد که مشارکت آنان از سطح خانوادگی به حوزه‌های مدیریتی و رسانه‌ای گسترش یافته است. در همین راستا، مقاله اندیشکده بانوان الزهرا (۱۴۰۴) هشدار می‌دهد که غیاب زنان در روایت‌های رسمی جنگ، موجب نادیده‌گرفتن ظرفیت‌های آنان در سیاست‌گذاری بحران می‌شود. در سطح تاریخی، رامهرمزی (۱۳۷۳) در یکشنبه آخر و تحلیل‌های ثانویه آن در مقاله فصلنامه دفاع مقدس، حضور زنان در جنگ ایران و عراق را از منظر تجربه زیسته بررسی کرده است. او معتقد است که زنان در دفاع مقدس، نه صرفاً یاری‌گر مردان، بلکه «عاملان فرهنگی مقاومت» بودند. این دیدگاه در پژوهش حاضر برای مقایسه تطبیقی میان دو نسل از زنان مقاوم به کار گرفته می‌شود. در مجموع، مرور پیشینه نشان می‌دهد

معنا یافت، با این تفاوت که زنان این دوره از دانش روان‌شناسی، فناوری‌های ارتباطی و تجربه مدیریتی بیشتری برخوردار بودند. آنان از طریق ارتباطات مجازی، گروه‌های حمایتی برای خانواده‌های آسیب‌دیده ایجاد کردند و با انتشار محتوای امیدبخش، نقش مهمی در کنترل ترس عمومی ایفا نمودند (احمدی، ۱۴۰۲).

مفهوم «بازتولید اجتماعی» نیز در این بستر معنای تازه‌ای یافت. در ادبیات جامعه‌شناسی، بازتولید اجتماعی به فعالیت‌های روزمره زنان در خانه اشاره دارد که بدون مزد انجام می‌شود، اما بقای نیروی کار و پایداری جامعه را تضمین می‌کند. در جنگ دوازده‌روزه، این فعالیت‌ها از محدوده خانه فراتر رفت و به سطح اجتماع گسترش یافت. زنان با مراقبت از کودکان و سالمندان، سازماندهی آموزش‌های مجازی اضطراری و حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست، عملاً به بازسازی نیروی انسانی و روح جمعی جامعه کمک کردند (موسوی، ۱۴۰۲).

نکته قابل توجه آن است که خانواده در این جنگ تنها ساختار حمایتی نبود، بلکه به یک نهاد کنشگر تبدیل شد. در بسیاری از محلات شهری، خانواده‌ها به صورت داوطلبانه گروه‌هایی برای توزیع غذا و دارو تشکیل دادند و با استفاده از ابزارهای دیجیتال، شبکه‌های ارتباطی میان خود و نهادهای مردمی برقرار کردند (منصوریان، ۱۴۰۴). این شکل از مشارکت، نوعی سرمایه اجتماعی جدید خلق کرد که در کاهش آسیب‌های روانی و اقتصادی جامعه پس از جنگ نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.

در نهایت، می‌توان گفت که تاب‌آوری خانواده در جنگ دوازده‌روزه نه تنها ناشی از پیوندهای عاطفی درون خانواده، بلکه نتیجه تعامل میان ایمان، آگاهی و مسئولیت اجتماعی بود. زنان در مقام مادر، همسر و کنشگر اجتماعی، پیونددهنده سه بعد حیاتی جامعه بودند: بُعد روانی (حفظ امید و آرامش)، بُعد اقتصادی (مدیریت منابع محدود)، و بُعد فرهنگی (انتقال ارزش‌های مقاومت). به همین دلیل، خانواده ایرانی در این جنگ نه

صرفاً پناهگاه، بلکه «نهاد بازآفرین جامعه» محسوب می‌شود؛ نهادی که توانست در اوج بحران، تعادل اجتماعی را از درون بازسازی کند و الگویی پایدار از مقاومت جمعی ارائه دهد.

نتایج پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقش زن و خانواده در جنگ دوازده‌روزه را می‌توان در دو بعد اصلی تحلیل کرد: نقش‌های فردی و اجتماعی زنان و نقش خانواده به‌عنوان ساختار تاب‌آور جامعه.

جدول ۱. ابعاد نقش زنان در جنگ ۱۲ روزه

بعـد نقش‌آفرینی	حوزه عملکرد	نمونه‌ها و مصادیق	منبع
امـداد و سلامت	امدادگری، پرستاری، بهداشت روان	حضور گسترده در تیم‌های امدادی، بیمارستان‌ها و خطوط مقدم درمان	احمدی (۱۴۰۲)؛ موسوی (۱۴۰۲)
رسانه و ارتباطات	خبرنگاری، تولید محتوا، اطلاع‌رسانی بحران	فعالیت زنان روزنامه‌نگار و مجریان میدانی چون سحر امامی	اندیشکده بانوان الزهر (۱۴۰۴)
فرهنگی و معنوی	مراسم مذهبی، آموزش، حفظ هویت فرهنگی	سازماندهی مراسم مذهبی، انتقال ارزش‌های مقاومت به نسل جوان	رضایی (۱۴۰۱)؛ رامهرمزی (۱۳۷۳)
مدیریت بحران	سازماندهی منابع و هدایت تیم‌های امداد	مدیریت میدانی و رهبری تیم‌های سحر و مراکز ۴۰۳۰	موسوی (۱۴۰۲)؛ منصوریان (۱۴۰۴)

جدول ۲. نقش خانواده در تاب‌آوری اجتماعی جنگ ۱۲ روزه

بعد تاب‌آوری	مصادیق رفتاری	تأثیر اجتماعی	منبع
--------------	---------------	---------------	------

اقتصادی	صرفه‌جویی، اقتصاد خانگی، تولید محلی	پایداری معیشتی خانواده‌ها در شرایط تحریم و جنگ	منصوریان (۱۴۰۴)
روانی و عاطفی	حمایت عاطفی، مراقبت از سالمندان و کودکان	کاهش اضطراب جمعی و تقویت امید اجتماعی	موسوی (۱۴۰۲)
فرهنگی	انتقال ارزش‌های ایشار و مقاومت	تداوم انسجام فرهنگی در سطح جامعه	رضایی (۱۴۰۱)
رسانه‌ای و ارتباطی	بازتاب واقعیت از درون خانواده	افزایش حس همدلی و اعتماد اجتماعی	اندیشکده بانوان الزهرا (۱۴۰۴)

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که جنگ دوازده‌روزه، نقطه عطفی در تحول گفتمان جنسیت و خانواده در ایران بود. زنان از حاشیه به متن بحران آمدند و از نقش‌های احساسی به موقعیت‌های تصمیم‌گیرنده و مدیریتی گذر کردند. خانواده نیز به عنوان نهاد اجتماعی مرکزی، با محوریت مادران، نقش بازتولید اجتماعی و حفظ آرامش جمعی را بر عهده داشت.

این پژوهش همچنین نشان داد که هرچند حضور زنان در میدان عمل گسترده و اثرگذار بود، اما بازنمایی رسانه‌ای آن هنوز محدود و تک‌بعدی باقی مانده است. بازگرداندن روایت زنان به فضای رسانه، می‌تواند به اصلاح گفتمان سیاست‌گذاری بحران و تقویت سرمایه اجتماعی منجر شود (اندیشکده بانوان الزهرا، ۱۴۰۴).

در مقایسه با دفاع مقدس، حضور زنان در جنگ دوازده‌روزه آگاهانه‌تر، فناورانه‌تر و اجتماعی‌تر بود. اگر در دهه شصت زنان در پشت جبهه پشتیبان بودند، اکنون در صف مقدم مدیریت و روایت ایستاده‌اند (رامهریزی، ۱۳۷۳؛ منصوریان، ۱۴۰۴).

پیشنهادهای آینده

۱. گنجاندن روایت‌های زنان در رسانه‌های ملی و تولید مستندهای تاریخ شفاهی از جنگ دوازده‌روزه.
۲. طراحی برنامه‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های مدیریت بحران در میان زنان و خانواده‌ها.
۳. حمایت از طرح‌های پژوهشی در حوزه «عدالت روایی» و بازنمایی جنسیتی بحران‌ها.
۴. ایجاد بانک اطلاعاتی از خاطرات زنان امدادگر و فعالان رسانه‌ای جنگ دوازده‌روزه.
۵. تلفیق مطالعات زنان و خانواده در سیاست‌گذاری‌های کلان حوزه دفاع و امنیت ملی.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، زهرا. (۱۴۰۲). زنان و جنگ ۱۲ روزه؛ از قربانی تا ستون‌های مقاومت. پژوهشگاه مطالعات زنان.
۲. رضایی، مریم. (۱۴۰۱). مبارزه معنوی زنان در جنگ تحمیلی. مجله دفاع مقدس، ۵۶، ۴۵-۶۲.
۳. حسینی، نسرين. (۱۴۰۲). نقش زنان روزنامه‌نگار در پوشش جنگ ۱۲ روزه. پژوهش‌های رسانه‌ای.
۴. موسوی، فاطمه. (۱۴۰۲). فرماندهان زن در مدیریت بحران جنگ ۱۲ روزه. مرکز مطالعات بحران.
۵. منصوریان، ب. (۱۴۰۴). جنگ ۱۲ روزه و تحول نقش زنان. پایگاه مطالعات راهبردی علوم انسانی.
۶. اندیشکده بانوان الزهرا. (۱۴۰۴). غیاب زنان در روایت رسانه‌ای جنگ ۱۲ روزه و پیامدهای آن بر سیاست‌گذاری بحران. جهاد دانشگاهی الزهرا(س).
۷. رامهرمزی، م. (۱۳۷۳). یکشنبه آخر. نشر سوره مهر.
۸. میری، ثمر. (۱۳۹۹). بررسی نقش زنان در دفاع مقدس بر اساس خاطره‌نوشت یکشنبه آخر. فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، ۲(۴)، ۷-۲۵.